

افغانستان و امنیت منطقه‌ای^۱

تهران ۱۰ تا ۱۲ تیرماه ۱۳۷۵

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، سمینار «افغانستان و امنیت منطقه» را از دهم تا دوازدهم تیرماه ۱۳۷۵ با حضور سیاستمداران و نمایندگان احزاب و گروه‌های مختلف افغانستان (به‌غیر از گروه طالبان) و صاحب‌نظرانی از جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، ایتالیا، فرانسه، روسیه، ازبکستان، هند، استرالیا، آمریکا، آلمان و تاجیکستان برگزار نمود. سمینار شانزده جلسه داشت و در پایان میهمانان سمینار و صاحب‌نظران شرکت‌کننده به حضور جناب آقای هاشمی‌رفسنجانی ریاست محترم جمهوری، رسیدند.

جلسه افتتاحیه

در این جلسه ابتدا جناب آقای عباس ملکی معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه ضمن خوش‌آمدگویی به شرکت‌کنندگان در سمینار با اشاره به سمینارهای قبلی در مورد افغانستان اظهار داشت: «سمینار اول در مورد افغانستان زمانی برگزار گردید که ارتش شوروی در حال خروج از افغانستان بود و مسئله افغانستان بُعد بین‌المللی پیدا کرده و همگان منتظر پیروزی ملت افغان بودند، و دومین سمینار در مورد افغانستان در مهرماه ۱۳۶۸ برگزار گردید که مسئله افغانستان به جهت خروج قوای شوروی، بیشتر بُعد منطقه‌ای یافته بود و همگان در انتظار تعیین تکلیف حکومت افغانستان به وسیله مجاهدین بودند که متأسفانه این انتظار به یأس مبدل شد و فصل جدیدی از نبرد، در افغانستان آغاز گشت و با طولانی‌شدن درگیری‌های داخلی در افغانستان و عدم یکپارچگی آن، بتدریج مشکلات امنیتی فراوانی از سوی افغانستان به کشورهای مجاور سرایت کرد. بی‌ثباتی، ناامنی، قاچاق مواد مخدر و اسلحه، تداوم فقر و نابسامانی و عقب‌افتادگی، مسائلی جدی برای این کشورها به وجود آورد. به‌طور مثال، بی‌ثباتی در افغانستان موجب نفوذ مجدد قدرتهای منطقه‌ای و جهانی در افغانستان شده که اثرات مخرب آن دامنگیر کشورهای مجاور نیز می‌شود. هرچند که بسادگی نمی‌توان در مورد ادامه این درگیری‌ها قضاوت نمود چراکه ۱۰ سال حضور و سلطه خارجی و درگیری و جنگ، عوارض و

۱. این گزارش توسط آقای داوود زمانیان کارشناس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز تهیه شده است.

عللی از خود بجای می‌گذارد که حل و رفع آنها ممکن است سالها طول بکشد. به‌علاوه ادامه نفوذ و دخالت قدرتهای خارجی در افغانستان خود ازجمله عوامل حفظ و استمرار درگیری‌های خونین داخلی و تداوم بحران به‌شمار می‌رود.

این سمینار در شرایطی برگزار می‌گردد که همه محققان و اندیشمندان افغانستان، منطقه و جهان بایستی این فرایند را ارزیابی و تجزیه تحلیل نموده و با برشمردن دلائل آن، راه را برای یافتن راه‌حل نهایی هموار سازند و امیدواریم که نمایندگان دولت و احزاب افغانی نیز در محیطی علمی بتوانند از نتایج بحثهای کارشناسی برای هدایت موضوعات در آینده افغانستان بهره‌برداری نمایند».

جناب آقای دکتر علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران مقام افتتاح‌کننده سمینار بودند که در سخنرانی خویش اظهار داشتند:

با اهدای سلامهای گرم و عرض خیرمقدم، خداوند را سپاسگزارم که توفیق مجددی یافتم تا دوباره در جمع محققان، اندیشمندان، مسئولان و جهادگران افغانستان حضور یابم. موجب کمال خوشوقتی است که سومین سمینار بین‌المللی، علمی و تحقیقی افغانستان با حضور صاحب‌نظران و اندیشمندان از کشورهای مختلف در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه برگزار می‌شود.

چنین سمینارهایی، بخصوص در مقطع زمانی کنونی که افغانستان با تحولات متعدد و جدیدی روبه‌روست، می‌تواند به نحو شایسته و بیطرفانه‌ای مشکلات و معضلات را بررسی نموده و از طریق تجزیه و تحلیل همه‌جانبه، فرصتی مناسب برای مسئولان و ملت افغانستان به‌وجود آورد تا با درک شرایط و واقعیتهای افغانستان و همچنین تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی انتخاباتی لازم را به‌عمل آورند و از فوت وقت جلوگیری نموده و انشاءالله به‌سوی صلح و ثبات و وحدت افغانستان حرکت کنند.

از سوی دیگر، این سمینار می‌تواند شناخت عمیق‌تری از واقعیتهای افغانستان و نظرات و دیدگاههای موجود در آن برای جهانیان، منطقه و از همه مهمتر برای همسایگان و دوستان نزدیک افغانستان بویژه دو کشور پاکستان و ایران فراهم آورد تا بهترین طریق مساعدت به بازگشت صلح و امنیت به افغانستان را یافته و با همکاری همه احزاب افغانی و همه همسایگان افغانستان به این مهم دست یابند.

دو کشور ایران و افغانستان دارای وجوه مشترک اسلامی، تاریخی و فرهنگی فراوان می‌باشند. این مشترکات سرنوشت این دو ملت را به‌گونه‌ای به‌هم گره زده است که ایران

به هیچ وجه نمی تواند تحولات مربوط به کشور همسایه خود را نادیده بگیرد.

جمهوری اسلامی ایران از زمان اشغال افغانستان در سال ۱۳۵۸ در کنار این ملت بوده و در سالهای جنگ عراق با ایران، قیمت سنگینی از بابت حمایت از آزادی و استقلال افغانستان پرداخته است. در سالهای پس از آزادی افغانستان و خروج نیروهای اتحاد جماهیر شوروی از این کشور نیز جمهوری اسلامی ایران با همکاری با جمهوری اسلامی پاکستان همواره در راستای استقرار صلح و ثبات در افغانستان کوشیده است.

در چند سال اخیر اوضاع افغانستان در مسیری سیر کرده که صلح و ثبات را در این کشور به طور جدی به خطر انداخته است؛ در حالی که هیچ گونه توجیهی برای ادامه این وضع نه در داخل افغانستان و نه در منطقه و نه در جهان وجود ندارد.

جمهوری اسلامی ایران با درک عمیق از این شرایط و نیز نگرانی جدی در قبال آثار سوء ناشی از شرایط مزبور برای وحدت افغانستان و امنیت ملی کشورهای همسایه، از چند ماه پیش تلاش بیشتری را به طور مستمر به عمل آورده تا زمینه تفاهم و حل اختلافات بین احزاب افغانی و استقرار دولت کابل را فراهم نماید. در این راستا معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه به طور مکرر به افغانستان اعزام شده تا با مذاکره با رهبران افغانستان به فراهم شدن زمینه چنین تفاهمی کمک نماید. در اینجا از همه رهبران افغانی که نمایندگانشان در این گردهمایی حضور دارند تشکر می نمایم که از این تلاش دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران استقبال نموده و اجازه دادند تا با گفت و شنود، بسیاری از سوء تفاهمهای گذشته بین احزاب و گروههای افغانی برطرف گردیده و راه برای درک و تفاهم بیشتر باز گردد.

اینجانب با ابراز خوشحالی از موافقت جناب آقای ربانی ریاست محترم جمهوری دولت اسلامی افغانستان و جناب آقای حکمتیار نخست وزیر محترم این کشور که با اقدام تاریخی خود موجب وحدت دولت در افغانستان شدند حمایت جمهوری اسلامی ایران از این مرحله استقرار دولت را اعلام داشته و تبریکات جمهوری اسلامی ایران را به خاطر این مهم به دولت و ملت افغانستان اعلام می دارم.

بی شک امنیت افغانستان همسایگان است و هرگونه بی ثباتی در این کشور موجب بی ثباتی همسایگان و کل منطقه می شود. شاید مهمترین مسئله ای که سرنوشت افغانستان را با سرنوشت همسایگانش گره می زند همین موضوع امنیت است. انتخاب موضوع «امنیت» توسط مرکز مطالعات آسیایی به عنوان محور این سمینار مناسب ترین موضوع در شرایط حاضر افغانستان و شرایط منطقه ای می باشد.

توصیه می‌نمایم سومین سمینار بین‌المللی افغانستان با توجه به محور فوق تلاش نماید تا ابعاد موضوع را هرچه بیشتر روشن نموده و با تبادل نظر و بحث‌های سازنده به نتایج و پیشنهادهای عملی و راهگشا در باب مساعدت به حل معضل افغانستان و تأمین امنیت در منطقه برسد.

اینجانب مایلیم همچنین توجه سمینار را به این نکته جلب نمایم که مبارزات سالهای گذشته مردم افغانستان باعث شده سطح بینش و آگاهی مردم این کشور افزایش یافته و این ملت در کوره مبارزه چنان آبدیده شده که در طول تاریخ افغانستان بی سابقه است. این ویژگی بی شک موجب آن خواهد شد که مردم افغانستان به قدرتهای خارجی و فرصت طلب که دنبال منافع خود و چیدن میوه از مبارزات این مردم هستند اجازه ندهند سرنوشت آنها را رقم زنند.

توصیه می‌نمایم این گردهمایی روندهای بین‌المللی را که در گوشه و کنار جهان در حال شکل‌گیری است بررسی نموده و چشم‌انداز آینده افغانستان را با واقع‌گرایی لازم ترسیم نماید به نحوی که در مورد تأمین استقلال و بازسازی افغانستان در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و بازگشت آبرومندانۀ آنهایی که تحت شرایط نامطلوب وطن خود را ترک کرده‌اند راهگشا باشد. در راستای این هدف تلاشهای مثبتی از سوی دبیرکل سازمان ملل، دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی و کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد صورت گرفته، هرچند که تاکنون به نتایج مطلوب و موردنظر نرسیده است.

آینده افغانستان امری است که به کل مردم افغانستان مربوط می‌شود؛ مردمی که از نزدیک درگیر مسائل کشورشان بوده و رنجهای آن را با تمام وجود لمس کرده‌اند. آنان بی شک شایستگی، قابلیت و بلوغ فکری لازم را دارند که آینده کشورشان را خود تعیین نمایند. جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای همسایه بدون هرگونه قصدی برای دخالت در امور داخلی افغانستان آماده‌اند کماکان همکاری لازم را با دولت و ملت این کشور ادامه داده و آرزو دارند بزودی شاهد افغانستانی واحد، مستقل، غیرمتعهد، اسلامی و آباد و پیشرفته باشند.

افغانستان از اقوام مختلف تشکیل یافته و اسلام همیشه و در همه حال مهمترین حلقه اتصال اقوام و قبایل مختلف این سرزمین بوده است. اسلام همیشه قادر بوده فواصل را از بین برده و تعصبات و کشمکشهای قومی و قبیله‌ای را خنثی سازد. امید است همه احزاب افغانستان که برادران مسلمان یکدیگرند با اعتصام به حبل‌الله از تفرق و پراکندگی بپرهیزند.

همچنین امید است شرایط مساعدی فراهم شود که مهاجران افغانی محترمانه به موطنشان بازگردند و مرحله مهم و خطیر بازسازی را شروع نمایند، بویژه آنکه بازسازی

افغانستان نیازمند دهها سال وقت و منابع هنگفت و تلاش همگانی است. در هر صورت برآورده شدن این آرزو در گرو استقرار حکومت مرکزی و استقرار صلح و آرامش می‌باشد.

تلاش، تکلیف است و مشیت و تمام جلوه حق. آرزو دارم که حاصل تلاش همه مسئولین و رهبران احزاب افغانی و عالمان و ژرفاندیشان و دلسوزان با مشیت حق تطابق یابد و همان‌طور که در دومین سمینار افغانستان عرض کردم بزودی شاهد آن باشیم که سمینار بعدی افغانستان در کابل با مشارکت همه نیروهای بالفعل و بالقوه ملت افغان و دیگر صاحب‌نظران تشکیل شود و بازسازی و نوسازی آن دیار موضوع سمینار باشد و شما میزبان و ما میهمان باشیم. انشاءالله.

خانم پروفیسور پیاجنتینی^۱ ریکاردو روالی استاد دانشگاه کاتولیکی نست هرارت میلان از کشور ایتالیا در مقاله خود تحت عنوان افغانستان دوباره متحد شده یا پشتونستان بزرگ؟ ضمن اشاره به اتحاد دو رهبر حزب اسلامی حکمتیار و برهان‌الدین ربانی رئیس‌جمهوری دولت کابل و استقبال ایران و پاکستان از آن، از جوی صحبت می‌کند که گویای این مسئله است که محافل رسمی و بین‌المللی نه تنها از اقدام نظامی طالبان حمایت نمی‌کنند بلکه آنان را مسئول موج جدید ناآرامی، و آشوب و چپاول موجود در افغانستان به‌شمار می‌آورد و در این راه آمریکا نیز ضمن رد حمایت از طالبان، از هرگونه ابتکار دیپلماتیک که بتواند صلح را در آنجا اعاده کند استقبال می‌نماید. در همین ایام پاکستان ضمن اعلام دوستی بیشتر با ایران تأکید می‌کند که هر دو کشور می‌توانند با یکدیگر برای برقراری اتحاد بین شورای هماهنگی و دولت کابل اقدام نمایند و به‌طور ضمنی طالبان را رد می‌کند. وی بیان می‌کند که تحلیل‌گران و دیپلماتها دو راه حل واقع‌گرایانه برای افغانستان متصورند: ۱. تجدید اتحاد افغانستان از طریق مذاکره بین گروه‌های افغانی؛ ۲. تجزیه و تقسیم افغانستان بین همسایگان آن، که راه حل نخست راه حلی است که هم‌اکنون دنبال می‌شود.

وی در قسمتی دیگر می‌افزاید که اگر قرار باشد راه حل نخست به صلحی نیرومند منجر شود، باید به دنبال شخصی فرهمند بود که پرستیژش بتواند قسمتهای دستخوش اختلاف و تفرقه افغانستان را بدون آنکه لازم باشد تجربه به‌دست آمده در توافق مارس ۱۹۹۳ اسلام‌آباد را تکرار کند، مجدداً به دور هم گرد آورد. پیاجنتینی می‌افزاید که، چالش پیش‌روی مردم افغانستان و دولت‌های اسلامی و سایر کشورها این نیست که چه کسی یا کدام حزب یا گروه جوامع اسلامی را

در قرن ۲۱ رهبری خواهد کرد بلکه این موضوع حائز اهمیت است که آیا ما قادر خواهیم بود صور کهنه دولتمداری را ترک کنیم و ساختار جدید و بالنسبه منصفانه‌تر دولتمداری قومی را برگزینیم که در واقع نوعی ساختار دولتمداری است، این چیزی است که باید وجود احتمالی آن در آینده افغانستان مورد بحث قرار گیرد.

مسکو در مورد بی‌ثباتی در تاجیکستان و افغانستان نگران است زیرا وضعیت بی‌ثباتی این دو کشور کمک به رشد تجارت مواد مخدر و اسلحه می‌کند و روسیه به دنبال ثبات درکنار مرزهایش است و روسیه به تلاشهای دیگر بازیگران جهانی و منطقه‌ای در روند یافتن رویه‌ای مناسب برای ارتقای نقش مؤثر بین‌المللی در اعاده صلح و آرامش به افغانستان خواهد پیوست. آقای محمد خیرخواه سفیر دولت اسلامی افغانستان در ایران نیز مقاله‌ای با عنوان روند مبارزات مردم افغانستان ارائه نمود، وی با اشاره به تاریخ پُرفرازونشیب افغانستان و مبارزات مردم مسلمان افغانستان با حاکمان این کشور و سپس مبارزه با ابرقدرت شوروی سابق، اشاره به این موضوع می‌نماید که، علل مختلفی بعد از پیروزی مجاهدین، سبب به وجود آمدن درگیری‌ها در داخل افغانستان شد؛ از جمله این موضوع که عده‌ای وجود افغانستان متحد را به نفع خود ندانسته، دیگران را تشویق به جنگ کردند و حتی امکانات وسیعی را در دست مخالفان حکومت قرار دادند. وی گفت: «ثبات کل منطقه مستلزم ثبات و امنیت در افغانستان است اگر مشکلات کنونی در افغانستان نبود مشکلاتی چون، مسئله مواد مخدر و وجود آوارگان هم مطرح نبود. وی اعلام کرد که دولت وی مخالف جنگ بوده در راه صلح قدم برمی‌دارد و تمامی گروه‌ها را به رویه‌ای که آقای حکمتیار در پیش گرفته دعوت می‌کند و اظهار می‌دارد که افغانستان در مالکیت هیچ گروهی نیست و همه دارای حقوق مشترکی هستند.

وی در مورد سیاست خارجی افغانستان اظهار داشت که افغانستان در روابط خارجی نه در امور دیگران دخالت می‌کند و نه می‌خواهد که کشورهای دیگر در امور آن دخالت کنند و خواهان همکاری با کشورهای جهان سوم بخصوص کشورهای مسلمان و همسایه است.

از دیگر مقالات ارائه شده در این سمینار مقاله‌ای تحت عنوان مناقشه افغانستان و تجدید آرایش منطقه‌ای از سوی ژان ژوزه پوئی^۱ از فرانسه بود، وی در مقاله خود بیان می‌دارد که در افغانستان سه نوع درگیری جریان داشته است: سطح بین‌المللی؛ سطح منطقه‌ای؛ سطح داخلی. تصور می‌شود که عقب‌نشینی شوروی و فروپاشی آن باعث جنگ داخلی در افغانستان

شده به نحوی که دیگر مخاصمات را تحت شعاع قرار داده است. در اوضاع جدید بین‌المللی ظهور دول جدید مستقل در آسیای مرکزی مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای را تغییر داده است و بحران کنونی افغانستان تا حدود زیادی ناشی از این است که راه حل ۱۹۹۱ برای بحران داخلی که تحمیل شد با راه حل منطقه‌ای پیشنهاد شده توسط پاکستان، کشورهای عربی و آمریکا منطبق نبود. دولت کابل نیز به‌رغم ناتوانی در جذب مخالفان، نشان داده که حل مسائل داخلی کشور نمی‌تواند از خارج از مرزها تحمیل شود. وی در ادامه بحث خود سناریوهای محتمل برای حل مشکل افغانستان را اینگونه برمی‌شمرد: ۱. ترکیب مجدد نیروهای محلی در افغانستان؛ ۲. به‌قدرت رسیدن یک ائتلاف جداگانه (دوستم - طالبان) که قبل از هر چیز با این ائتلاف منافع پاکستان و آمریکایی‌ها تأمین می‌شود. سناریوی بعدی از دیدگاه ژان ژوزه پوئی این است که: بررسی مجدد موضوعات مورد بحث به ترکیب مجدد منطقه‌ای منجر می‌شود که بحران افغانستان را به‌بعد داخلی‌اش سوق می‌دهد. مفهوم این بحران اولویت دادن به امنیت و ثبات می‌باشد.

از دیدگاه نویسنده مقاله، در آینده نزدیک مناقشه افغانستان مسیری را در پیش خواهد گرفت که قطب جاذبه آن یکی از دو آلترناتیو پیشنهادی می‌باشد.

«وحدت ملی افغانستان»، عنوان مقاله‌ای بود که آقای جواد منصور می‌شاور وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ارائه نمود. وی در قسمتی از مقاله خود اظهار داشت: وحدت ملی و چگونگی رسیدن به آن برای امنیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال کشور اسلامی افغانستان مورد علاقه ملت و همسایگان آن می‌باشد، تحقق وحدت ملی در این کشور باعث ایجاد موقعیت مناسبی در گسترش مناسبات منطقه‌ای و ارتقای وضعیت سازمان همکاری اقتصادی (اگو) می‌شود. به‌همین دلیل کشورهای عضو اگو علاقه‌مند ثبات و حفظ تمامیت ارضی و اقتدار دولت و به‌وجود آمدن وحدت ملی در افغانستان می‌باشند.

ولادیمیر موسالینکو^۱ از انستیتو مطالعات خاوری مسکو - روسیه، مقاله خود را تحت عنوان نفوذ خارجی و مشکل برقراری صلح در افغانستان ارائه نمود. وی در تشریح دیدگاههای خود گفت: هر کشور خارجی درگیر در امور افغانستان، منافع خاص خود را دنبال می‌کند و از گروههای نظامی - سیاسی، معینی در افغانستان حمایت می‌کند. در عین حال جملگی علاقه‌مند به برقراری صلح در افغانستان هستند. تداوم اوضاع ناآرام نمایانگر خطری است که متوجه کلیه

کشورهای ذی‌ربط می‌شود، زیرا موجب بسط و گسترش بی‌ثباتی، قاچاق مواد مخدر و نیز تروریسم می‌گردد و به‌نظر می‌رسد که هم‌اکنون وضعیت خارجی به‌مراتب بیشتر از شرایط داخلی موافق تلاشهایی برای حصول به‌سازش در افغانستان باشد. بنابراین مقتضی است که این روند را با فعال ساختن بعد بین‌المللی مشکل افغانستان آغاز نمود.

اعاده وضعیت افغانستان به صورت یک کشور مستقل، برخوردار از حاکمیت ملی که کماکان نقش سنتی خود را در عدم تعهد و بیطرفی ایفا خواهد کرد، باید هدف نهایی کلیه این اقدامات را تشکیل دهد. احتمالاً تشکیل کنفرانس بین‌المللی تحت توجّهات سازمان ملل با شرکت اعضای اگو، اعضای دائم شورای امنیت، هند، عربستان سعودی، آلمان، ژاپن و شماری چند از سایر کشورها، می‌تواند بهترین راه برای حصول بدین هدف باشد و قطعنامه‌های این کنفرانس پیشنهادی باید بیش از هر چیز بر توقف ارسال جنگ‌افزار به افغانستان تأکید ورزد و شرکت‌کنندگان در کنفرانس باید تعهد نمایند که نیروهای داخلی طرف خود را تشویق به پیروی از همان خط (برقراری صلح) نمایند. مشارکت‌کنندگان همچنین باید در مورد توسعه و بازسازی اقتصاد افغانستان کمکهای خود را در اختیار این کشور قرار دهند و برای ارزیابی روند تصمیمات متخذه توسط کنفرانس ضروری است تا کمیسیونی بین‌المللی تشکیل شود و این مهم را انجام دهد.

آقای نظیف شهرانی از بخش مطالعات مردم‌شناسی ارواسیای مرکزی دانشگاه ایندیاناوی آمریکا مقاله خود را با عنوان دولت و ساختارهای قومی در افغانستان، میراثها، احتمالات و امکانات به سمینار عرضه داشت. این مقاله با اشاره به پیروزی مجاهدین می‌افزاید که این پیروزی سبب دلگرمی مسلمین و روزنه امیدی برای آنان در جهت تشکیل دولت اسلامی گردید؛ ولی رویدادهای خونین چهارسال گذشته این امید را به یأس مبدل ساخت. وی سپس سؤالاتی را مطرح می‌کند با این مضمون که چرا مجاهدین که در جهاد موفق شدند در تشکیل دولت ملی موفق نبودند؟ چرا احزاب که از ایدئولوژی نیرومندی برخوردار بودند، راه را برای اسنیلای همبستگی‌های قومی، فرقه‌ای، زبانی و سایر وفاداری‌های سیاسی باز کردند؟

وی در ادامه افزود: به نظر من احزاب توانستند از ایدئولوژی اسلامی مدد گرفته و به بسیج گروههای مختلف قومی قبیله‌ای بپردازند و جوامع مختلف قومی قبیله‌ای به دو دلیل متفاوت مایل به مشارکت در جهاد بودند: ۱. مخالفت ایدئولوژیک با کمونیسم و حمایت از اسلام؛ ۲. مخالفت با عملکرد اختناق‌آور رژیم مدرن که در راستای سیاستهای متمرکز کمونیستی به‌وجود آمده بود. در خلال سالهای جهاد، مجاهدین پیوسته مخالفت ایدئولوژیکی جوامع

محلی را علیه کمونیسم و استعمارگری بازتاب دادند و منعکس نمودند، مع الوصف، از عطف توجه به بیم‌ها و نگرانی‌های جوامع نسبت به دولت متمرکز غافل ماندند و شگفتا که به مجرد خلع ید از رژیم کمونیستی خود به صور کهنه و قدیمی کشورداری متوسل شدند و بر سر در دست گرفتن قدرت مرکزی به نزاع و ستیز با یکدیگر پرداختند. به اعتقاد من عامل اصلی در تداوم نزاع‌های بین قومی در داخل کشور در تسلیم بی‌قید و شرط مجاهدین به صور کهنه کشورگردانی به همراه بی‌اعتنایی آشکار به منافع تشکیلات حکومتی، قومی، فرقه‌ای، نژادی، منطقه‌ای، استانی و محلی نهفته است.

نظیف شهرانی معتقد بود که، به شهادت تاریخ و رویدادهای معاصر، وجود ساختارهای قومی سنتی نیرومند، سبب شده است که استقلال ملی افغانستان تضمین گردد. وی سپس به راه‌حلهای مطرح شده پرداخته از جمله راه‌حلی را برشمرد که توسط آن دسته از دیپلماتها و تحلیلگرانی مدنظر قرار گرفته که مایلند برای وضعیتی که جنگ در آن تمامی ندارد و ثبات منطقه‌ای و امنیت جمعی در منطقه‌ای که اهمیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک آن برای جامعه بین‌المللی کاملاً روشن است، راه‌حلی یافت شود که از جمله آن افغانستان تجزیه شده است. آقای شهرانی معتقد بود که بعید است بتوان برای مناقشات منطقه‌ای بی‌پایان این مورد اخیر، راه‌حلی مناسب باشد افغانستان تجزیه شده می‌تواند اتحادی را بین پشتوهای افغانستان و پاکستان به وجود آورد تحت عنوان «پشتونستان بزرگ» و چنین تحولی می‌تواند آثار دُمینو مانند خود را به همراه آورد و کل منطقه را بی‌ثبات سازد و به سایر مناطق تسری پیدا کند.

از دیگر مقالات اولین روز سمینار، مقاله دکتر سعید ابراهیم نماینده سازمان کنفرانس اسلامی در امور افغانستان با نام عملکرد سازمان کنفرانس اسلامی در افغانستان ارائه گردید. ایشان از جانب سازمان بیان می‌دارد که اگرچه تمام اقدامات از سوی این سازمان به نتیجه مطلوب نرسیده، لیکن با توجه به تمایل راهبران گروه‌ها به حل و فصل اختلافات از طریق دیالوگ، باید سازمان تلاشهای خود را افزایش دهد.

نامبرده از ایران و پاکستان از بابت تعهد و تلاشهای آنها برای دستیابی به یک صلح پایدار در منطقه قدردانی و از این دو کشور خواست که با دفتر این سازمان در امور افغانستان که می‌تواند اطلاعات مفیدی برای ابتکارات صلح این دو کشور ارائه دهد مشورت نمایند.

جنگ داخلی افغانستان و قدرتهای خارجی عنوان مقاله خانم وانگ هونگ^۱ از مؤسسه روابط

بین‌الملل معاصر چین بود که پس از اشاره به جنگ داخلی و آثار آن دلایل بحران افغانستان را اینگونه برشمرد: ۱. جنگ قدرت بین گروههای داخلی و عدم وجود یک گروه مسلط؛ ۲. وجود نیروهای در خارج و ارسال سلاح از سوی آنان به داخل افغانستان. در مورد چشم‌انداز آتی صلح گرچه توافقه‌های اخیر را روزنه‌ای برای صلح می‌داند ولی راه‌حل قاطع را به این زودی‌ها دست یافتنی نمی‌بیند. وی در مورد عوامل درونی جنگ داخلی افغانستان به این موارد اشاره داشت:

الف) بعد از خروج شوروی و سقوط دولت طرفدار آن، گروههای داخلی برای به دست گرفتن قدرت دست به جنگ زدند و چون هیچ گروهی کنترل تمامی کشور را در دست ندارد، بسیار مشکل است به توافقی درخصوص دولت آینده دست یافت؛

ب) رویارویی نژادی بتدریج سربرمی‌آورد. پختونها یا پشتونها بر تاریخ کشور حاکم بوده و شش گروه از احزابی که در پاکستان شکل گرفت، پشتون بودند ولی برتری آنها بعد از سقوط نجیب کم شده است از این نظر رویارویی بین آنها و سایر گروهها روزه‌روز عیان‌تر می‌شود؛

ج) شوراها و رؤسای قبایل افغانستان استقلال عمل و نیز قدرتی به مراتب بیشتر از دول مرکزی دارند و گزارش می‌شود که پنج گروه در افغانستان حضور دارند که هر یک جایگاه ویژه خود را دارند.

خانم وانگ هونگ در مورد نقش عوامل خارجی عقیده دارد که قدرتهای بزرگ و قدرتهای منطقه‌ای از جناحهای افغانی و دولت کابل حمایت می‌کنند و این حمایتها و کمکهای مالی و تسلیحاتی از جناحهای رقیب است که موجب طولانی‌تر شدن جنگ داخلی شده است. این حامیان خارجی عبارت‌اند از:

۱. پاکستان که به نظر خانم هونگ مهمترین بازیگر خارجی است که در طول جنگ با شوروی حمایت فوق‌العاده‌ای از مجاهدین به عمل آورد اما با خروج شوروی روابط پاکستان و مجاهدین روبه سردی گرایید و سبب شد که پاکستان به حمایت طالبان اقدام نماید و این به دو دلیل بود: الف) روی کار آمدن دولت غیردوست موجب فشار زیادی بر امنیت پاکستان می‌شود؛ ب) پاکستان خواهان دسترسی از طریق افغانستان به آسیای مرکزی است؛

۲. ایران قدرت بعدی دخیل در افغانستان است، غلبه طالبان بر سرزمینهای بیشتر سبب شده که ایران آن را ناشی از حمایت پاکستان، عربستان و آمریکا دانسته، ایران سخت تلاش می‌نماید از یک سو جناحهای درگیر را تشویق به صلح نماید و از سوی دیگر مانع تسلط طالبان بر کابل شود و بدین لحاظ از ربانی حمایت کرده و طالبان را از شرکت در مذاکرات برای صلح دورنگه داشته‌است؛

۳. آمریکا قدرت بزرگ دیگری است که در جنگ داخلی افغانستان درگیر می‌شود. آمریکا بعد از خروج شوروی حمایت خود را از احزاب کم‌کرد ولی هم‌اکنون به سه دلیل خود را مجدداً درگیر نموده است: الف) ترس از گسترش بنیادگرایی؛ ب) اینکه افغانستان تبدیل به پناهگاهی برای قاچاقچیان و تروریستها شود؛ ج) آمریکا نگران آن است که ایران افغانها را با خود متحد ساخته مانع دسترسی آسان آمریکا به آسیای مرکزی شود.

۴. روسیه، ازبکستان و هند که ازبکها روابط خوبی با ژنرال دوستم در شمال دارند نه به سبب ملاحظات نژادی صرف بلکه به زعم آنان دوستم مانعی است برای بنیادگرایی، و برای روسیه بی‌ثباتی افغانستان موجب منطقی بودن حضور آن در آسیای مرکزی است و هند از ربانی برای کاستن نفوذ پاکستان حمایت می‌کند. وی نتیجه‌گیری می‌کند که گرچه رقبا هنوز باهم سر جنگ دارند ولی چون: الف) همه آنها از جنگ خسته شده‌اند؛ ب) سیاست آمریکا و سازمان ملل در درگیر شدن در افغانستان برای ایجاد صلح و افغانستان، شاخص مثبتی را به جنگ افغانستان وارد ساخته؛ ج) به علاوه همسایگان این کشور نیز تلاش دارند کلیه جناحها را به مذاکره فراخواند، پس انتظار می‌رود اگر کلیه این تلاشها عملی و اعمال شود، صلح به افغانستان بازگردد.

آقای غلامرضا علی‌بابایی از دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی - ایران با عنوان افغانستان: ریشه‌های بحران کنونی و علل تداوم آن سخنرانی کرد. وی در قسمتی از سخنان خود «حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و تشکیل مجدد ناوگان پنجم آمریکا با هدف حفظ متحدان منطقه‌ای ایالات متحده را، از نتایج ادامه جنگ افغانستان» برشمرد. ادامه جنگ ملهم از دو دسته عوامل درونی، بیرونی دانست که عبارت‌اند از: عوامل درونی جنگ که شامل: الف) علل قومی و حاکمیت پشتونها؛ ب) نقش گروههای مذهبی؛ ج) وجود انبازهای عظیم اسلحه؛ د) قاچاق مواد مخدر و ریشه‌های بیرونی جنگ که شامل نقش قدرتهایی نظیر آمریکا، همسایگان و کشورهای فرامنطقه‌ای چون عربستان است.

جلسات سمینار روز دوشنبه ۷۵/۴/۱۱ نیز ادامه یافت و در این روز اولین سخنران آقای سیروس ناصری نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در مقر اروپایی سازمان ملل بود که مقاله خود را با عنوان تجزیه و تحلیل نقش سازمان ملل در افغانستان از زمان اشغال تاکنون به سمینار ارائه نمود. وی اقدامات و دخالت سازمان ملل در افغانستان را به سه دوره ۸۶-۱۹۸۰ و ۹۲-۱۹۸۶ و ۱۹۹۲ تاکنون، تقسیم نموده گفت: در دوره اول سازمان ملل با ارائه قطعنامه‌های متعدد خواستار اتخاذ راه‌حل سیاسی برای افغانستان بود و در دوره دوم به دلیل پایان جنگ سرد زمینه‌ای مناسب برای تلاش و فعالیت سازمان ملل فراهم و در دوره سوم یعنی از ۱۹۹۲ به بعد

دبیرکل خواستار تشکیل یک گروه کاری از کشورهای علاقه‌مند به صلح و بازسازی افغانستان شد. بعد از سقوط رژیم کمونیستی مسئله افغانستان از بُعد بین‌المللی خارج و به جنگ داخلی تبدیل گشت که زمینه کار برای سازمان ملل محدود شد.

وی سپس اشاره می‌کند که در طرح‌های سازمان ملل راجع به افغانستان دو موضوع ثابت وجود دارد: اول، اینکه تصمیم‌گیری راجع به ترکیب مکانیزم انتقال قدرت، به عهده خود گروه‌های افغانی باشد؛ دوم، انتخابات باید به شکل سراسری برگزار شود.

مقاله بعدی توسط آقای امین صیقل، رئیس مرکز مطالعات خاورمیانه و آسیای مرکزی، دانشگاه ملی استرالیا، تحت عنوان نقش سازمان ملل و جستجو برای صلح در افغانستان به زبان فارسی ارائه شد و در سخنرانی خود اظهار داشت که پاکستان دارای سیاست یکسانی در مقابل افغانستان نیست. وی از سازمان ملل نیز انتقاد کرده گفت که در دوران نجیب نماینده سازمان از حکومت وی حمایت کرد و مستیری نیز بر نظریه پاکستان که خواهان برکناری ربانی بود تأکید ورزید. وی افزود: باید هسته‌ای که اکنون به وجود آمده (دولت و ائتلاف آن با حکمتیار) را تقویت کرد و اگر سازمان ملل نیز بخواهد کاری انجام دهد باید از تقویت دولت فعلی شروع نماید و دیگر گروه‌ها به ائتلاف جدید پیوندند و با کمک هم صلح را در افغانستان محقق سازند. آقای سعید رجائی خراسانی، مشاور وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران برای مخاطبان خود از ارزیابی تلاش‌های بین‌المللی در روند صلح افغانستان سخن گفت و افزود: تجارب گذشته نشان می‌دهد، چشم دوختن به راه‌حلهای سازمان‌های بین‌المللی بیهوده است. چون اینها باشگاه‌هایی هستند که سردمداران آن به دنبال اتخاذ تصمیم نهایی نیستند و به توصیه بسنده می‌کنند. اگر افغانها با یکدیگر توافق کردند این سازمانها برای آنان کف زده و صورت جلسه امضا خواهند کرد و اگر به توافق نرسیدند، به حساب، سازمان ملل نقش فعال خود که همانا میانجیگری است را ادامه خواهد داد.

مهاجرین افغانی در جمهوری اسلامی ایران و نقش بازگشت در فرایند بازسازی ملی کشور افغانستان مقاله‌ای بود که توسط آقای احمد حسینی مدیرکل امور اتباع خارجی وزارت کشور ایران ارائه گردید. وی تأکید نمود مهاجرین افغانی که در سطح ۲۰ استان ایران پراکنده هستند در ابتدای ورود به ایران فاقد هرگونه مهارت و ناآشنا به فنون مختلف بودند و در اثر اشتغال در ایران تبدیل به کارگرانی ماهر در امر ساختمان و سایر امور فنی گشته‌اند و در بازگشت به وطن خود نقش مهمی در بازسازی افغانستان می‌توانند ایفا کنند.

آقای پیربرت راند^۱ از کمیساریای عالی پناهندگان در تهران، بحث خود را دربارهٔ عملکرد کمیساریای عالی پناهندگان و فعالیت آن ارائه نمود و گفت برای بازگشت این مهاجرین کمیسیون سه‌جانبه‌ای متشکل از ایران، پاکستان و UNHCR در سال ۱۹۹۲ تشکیل که تاکنون ۱/۷۲۱/۷۱۰ تن از پاکستان و ۵۶۰/۰۳۲ نفر افغانی از ایران به کشورشان بازگشته‌اند و فعالیت عمده UNHCR در افغانستان نیز فراهم نمودن شرایط مساعد برای از سرگیری زندگی در مناطق امن می‌باشد تا از این رهگذر امکان بازگشت داوطلبانه آوارگان فراهم گردد.

آقای نعمت‌الله ایزدی مشاور وزیر امورخارجه جمهوری اسلامی ایران نیز در سخنرانی خود به دلایل حضور نظامی شوروی در افغانستان و سیر تحولات آن و انگیزه‌ها و پیامدهای آن پرداخت و نقش عوامل مختلف را در این مورد بررسی نمود.

از مؤسسه مطالعات خاوری مسکو نیز آقای بلوکرنیتسکی^۲ سخنرانی خود را با موضوع سیاست آسیایی روسیه و چشم‌انداز حل و فصل بحران افغانستان برای حضار در سمینار عرضه کرد و گفت: روسیهٔ جدید اگرچه جانشین شوروی سابق است ولی تفاوت‌های عمده‌ای از هر جهت و بخصوص در مورد سیاست خارجی با شوروی سابق دارد، مثلاً ایدئولوژی کمونیسم دیگر در روسیه وجود ندارد. ایدئولوژی قبلی یک ایدئولوژی مداخله‌گر بود. حتی اگر کمونیست‌ها روی کار بیایند، دیگر سیاست قبلی دنبال نخواهد شد. وی پس از ارزیابی قدرت روسیه جدید، سیاست خارجی روسیه را در مورد مرزهای جنوب شرقی روسیه به سه دوره تقسیم نمود که مرحلهٔ اول از سال ۱۹۹۱ شروع می‌شود و در این مرحله روسیه خود را از مسائل منطقه کنار کشید و مرحلهٔ دوم زمان اوجگیری بحران در تاجیکستان است که بحران سیاسی در تاجیکستان حدودی که مسکو می‌تواند نسبت به امور قاره آسیا بی تفاوت باشد را نشان می‌دهد و مرحلهٔ سوم، از انتخابات ۱۹۹۳ پارلمان است که سیاست کناره‌گیری به پایان رسید. از آن زمان به بعد دولت روسیه رهیافتی واقع‌بینانه را در خصوص موضوعات مربوط به اوضاع پیش آمده در آسیای مرکزی و افغانستان در پیش گرفته است.

خانم آبادیکشیت^۳ محقق IDSA در دهلی نو - هند، دیدگاه‌های خود را با عنوان سناریوهای آینده در جنگ داخلی افغانستان - دیدگاه هند تقدیم حضار نمود و گفت: جنگ داخلی افغانستان احتمالاً باقی‌مانده‌ای از دوران جنگ سرد است. این مقاله نقشی که هندوستان

1. Pirre Bertrand

2. Vyacheslavya Belokrenitesky

3. Abadikshit

می‌تواند در صورتی که این جنگ تبدیل به یک جنگ بزرگ منطقه‌ای شود را تشریح می‌نماید. نگاهی به سیاستهای آمریکا در افغانستان مقاله آقای هاشم نصیری، وابسته مطالعاتی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی در شبه‌قاره بود که با اشاره به رقابتهای قدرتهای بزرگ اظهار داشت: اصولاً موجودیت کشوری به نام افغانستان با مشخصات جغرافیایی کنونی، حاصل همین رقابت در قرن نوزدهم و بیستم بوده است. پس از فروپاشی شوروی حساسیتهای آمریکا نسبت به افغانستان کاهش یافته بود، ولی باز مجدداً شاهد فعالیت آمریکا در افغانستان هستیم. به نظر نامبرده دلیل این حضور، روند تحولات روسیه از یک طرف و موفقیت‌های دیپلماتیک ایران در صحنه سیاسی افغانستان می‌تواند باشد.

نقش کشورهای همسایه در افغانستان را رئیس دارالانشاء حزب حرکت اسلامی افغانستان، آقای سید محمد بشیر موسوی ارائه و تشریح نمود و با تشکر از نقش ایران در طول جهاد گفت: انعطاف‌پذیری گروهها برای صلح کافی نیست و در این راه لازم است که جامعه بین‌المللی و خصوصاً همسایگان مسلمان بکوشند. البته این به معنای دخالت کشورهای دیگر نیست. آقای موسوی اظهار عقیده نمود که کشورهای همسایه و جامعه بین‌المللی می‌توانند از طریق عدم مداخله مغرضانه و قطع کمک‌های تسلیحاتی به امر صلح کمک نمایند.

مقاله آقای طاهر امین از مؤسسه مطالعات سیاسی پاکستان، با عنوان سیاست پاکستان نسبت به افغانستان یک ارزیابی نقادانه حاوی نکات زیر بود:

ادامه درگیری‌ها در افغانستان نه تنها باعث پیدایش عدم ثبات در منطقه خواهد شد، بلکه باید اذعان نمود که این درگیری‌ها به ضرر منافع جهان اسلام نیز هست و افغانستانی که باید بعد از انقلاب ایران، یک مدل کشور اسلامی می‌گردید، دچار هرج و مرج شده است.

وی در مورد سیاست پاکستان در افغانستان توضیح داد که سیاست این کشور با تعویض دولت‌ها دچار دگرگونی شده ولی هم‌اکنون شکل جدیدی به خود می‌گیرد و احساس من این است که پاکستان به سوی این مسئله می‌رود که از نزدیکی ربانی و حکمتیار حمایت نموده و تلاش دارد سایر گروهها نیز به این روند بپیوندند. ایشان در ادامه می‌افزاید: نقص سیاست خارجی پاکستان این بود که بیش از حد بر محور جهانی تأکید می‌نمود و بیشتر منافع آمریکا را مورد تأکید قرار می‌داد و به نقش و منافع سایر بازیگران منطقه‌ای توجه نداشت. در مورد راه‌حلهای آینده بحران افغانستان، دکتر طاهر امین بر این باور است که دو راه موجود است: ۱. توافق بین گروههای جهادی و غیرجهادی و سهیم شدن همگی آنان در قدرت که ایران و پاکستان نیز باید در این راه تلاش نمایند؛ ۲. در صورت عدم هماهنگی بین نظرات ایران و پاکستان، فکر می‌کنم ایران به

سوی ائتلافی از هند و روسیه پیش خواهد رفت و پاکستان نیز با عربستان سعودی و آمریکا ائتلاف خواهد نمود و اگر این مورد اتفاق افتد برای منطقه و افغانستان یک مصیبت خواهد بود و از ایران انتظار می‌رود که در نزدیکی بین پاکستان و دولت کنونی کابل بکوشد و آنان را به تفاهم بیشتر فرا خواند.

آقای رحمت‌الله واحدیاد، نماینده حرکت انقلاب اسلامی افغانستان عنوان مقاله خود را بازسازی افغانستان اعلام نمود و گفت: مشکل اصلی مردم در مورد بازسازی، امر مسکن می‌باشد که این شامل شهرها و روستاها می‌گردد. از دیگر قسمت‌هایی که به اعتقاد نماینده حرکت انقلاب اسلامی افغانستان باید در بازسازی به آن توجه شود راهها و خطوط آبرسانی و برق و تلفن، جمع آوری مین‌ها، توجه به بازسازی و احیای مراکز درمانی، رسیدگی به امر کشاورزی و دامداری است.

دکتر جیرش پانت^۱ از دانشگاه جواهر لعل نهرو - هند، که ضرورت پایان دادن به جنگ افغانستان عنوان مقاله ایشان بود، در بخشی از سخنرانی خود گفت: پاکستانی‌ها در طول جهاد کمک زیادی به افغانها کردند ولی جاه‌طلبی‌هایی نیز در افغانستان دارند، سپس به پاکستان هشدار می‌دهد که تجزیه افغانستان به نفع آنها نیست و باعث تشکیل و پیدایش مافیای مواد مخدر و تشکیل گروه‌های خطرناک و آدمکش خواهد شد.

آقای جیرش پانت بر این باور است که: سیاست ایران محصور کردن هر منازعه‌ای بوده که به ضرر امنیت ملی این کشور است و نمونه بارز آن را مخالفت ایران با گروه طالبان دانست.

دکتر پانت دو پیشنهاد داشت: یکی حداقل مداخله کشورها در امور افغانستان، در همان حال تلاش برای ملت‌سازی در افغانستان پیشنهاد بعدی در مورد بازسازی افغانستان و جلوگیری از سیاسی شدن آن بود که در این مورد تشکیل کنسرسیومی برای ساخت و بازسازی راه، راه‌حل مطلوب دانست.

آینده افغانستان و سناریوهای محتمل عنوان مقاله دکتر عظمت حیات‌خان، رئیس مرکز مطالعات منطقه‌ای دانشگاه پیشاور بود که اشاره به این موضوع داشت که در طول این سالها مردم سنتی و قبایل افغانی نادیده گرفته شدند در حالی که این مردم هستند که باید افغانستان را اداره کنند. ایشان بر نقش و اهمیت قومیتها در افغانستان تأکید می‌ورزید و نهاد لویی جرگه را در این راستا مهم تلقی کرد.

آقای اعتمادیان عضو حزب وحدت اسلامی نیز در این سمینار سخنرانی داشت و عوامل خونریزی در افغانستان را دو عامل: ۱. انحصارطلبی و قدرت‌طلبی احزاب به‌عنوان زیربنای فاجعه؛ ۲. مداخلات خارجی و ارسال کمک‌های مختلف از جمله اسلحه از سوی تمامی کشورها چه کشورهای همسایه و چه قدرتهای بزرگ برشمرد و گفت که زعامت افغانستان باید بپذیرد که خود مداخله خارجی راباعث شده‌اند و هر حزبی در خارج دوستانی را برای خود پیدا کرده است. آقای اعتمادیان مدعی بود که حزب وحدت خواهان مشارکت همهٔ گروه‌ها در قدرت است و فرمول پیشنهادی حزب خود را برای پایان جنگ، کناره‌گیری دولت کنونی کابل و مذاکره تمامی احزاب با یکدیگر دانست.

معاون فرهنگی جنبش ملی اسلامی افغانستان، آقای سیرت طالقانی در سخنرانی خود با تأکید بر خروج از بن‌بست موجود افزود جهاد به یک گروه تعلق نداشت پس هیچ گروهی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن مابقی گروه‌ها تصمیم یکجانبه بگیرد و راه‌حل خروج از بن‌بست کنونی را مذاکره بین گروه‌های قدرتمند (گروه استاد ربانی، شورای هماهنگی و شورای جلال‌آباد و گروه طالبان) همراه با حسن تفاهم و رسیدن به یک راه‌حل جامع و فراگیر دانسته و در مورد وضعیت آینده افغانستان تأکید گروه خود را بر یکپارچگی افغانستان، اعلام نمود.

در این سمینار آقای حاجی دین‌محمد، نماینده حزب اسلامی (به‌رهبری یونس خالص) افغانستان نیز سخنرانی کرده در مورد تشکیل احزاب گفت که اینها توسط قانون اساسی به‌وجود نیامده‌اند بلکه در دوران جنگ برای مقابله با دشمن تشکیل گردیدند و خوبی این احزاب در این بود که از تمامی اقلیت‌ها در جنگ سود برد، ولی همین تعدد احزاب و تشکیل نیافتن آنان براساس قانون اساسی ما را با مشکلاتی بعد از جهاد مواجه کرد.

وی از ایران و پاکستان خواست که سیاست واحدی را در مقابل افغانستان اتخاذ کنند و با یکدیگر هماهنگی بیشتری داشته باشند و بهتر است در چنین سمینارهایی از تمامی احزاب و به‌طور مثال از طالبان نیز دعوت شود، وی در پایان از ایران و پاکستان درخواست کرد تا فراهم شدن صلح کامل در افغانستان پذیرای مهاجرین افغانی بوده و آنان را به افغانستان (به‌اجبار) بازنگردانند.

دکتر جلیل روشندل مقالهٔ خود را در مورد افغانستان، چالش‌های امروز، خط‌مشی‌های فردا ارائه نمود و مقاله خود را به دو بخش تقسیم کرد، در بخش اول ایشان کارنامه مردم افغانستان را مورد بررسی قرار داده و پیروزی آنان را یک پیروزی درخشان توصیف و اضافه نمود: پسر از خروج روسها عملکرد افغانها، عملکردی منفی است و مسئولین افغانی از یک طرف و مردم این کشور

از سویی دیگر باید در این عملکرد تجدیدنظر کرده و نقش خود را براساس هویت خود ایفا نمایند و نقشی را برگزینند که هویتشان را خدشه‌دار نسازد. در این مقاله چالشهای موجود بر سر راه صلح و امنیت در افغانستان در سه محور به این شرح مورد بررسی قرار گرفت: اولاً، منافع ملی در فرهنگ سیاسی این مردم باید جانشین منافع گروههای کوچک اجتماعی گردد؛ ثانیاً، دولت جایگزین سازمانهای فردی خود محور گردد تا امنیت برقرار شود؛ ثالثاً، گروهها و سازمانها اسلحه را کنار گذاشته و به سلاح قانون مجهز شوند.

در بخش دیگر از این مقاله با فرض تأمین امنیت و حاکمیت قانون، پیشنهادهایی برای برنامه‌ریزی درازمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت در زمینه‌های مختلف بازسازی و نوسازی تا حدی که این کشور از خودکفایی فراتر رفته و در بعضی زمینه‌ها به صادرات کالاهای کشاورزی بپردازد ارائه شده است. در این مقاله، نقش گروهها به‌عنوان مکمل نهادهای دولتی - بدون ایجاد مراکز موازی قدرت دولت - مورد قبول قرار گرفته است.

آقای محی‌الدین نجفی مشاور وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران خطاب به حضار در سمینار گفت: در مرور بر تاریخ افغانستان در فاصله زمانی ۱۵۰ سال گذشته سناریوهایی را در مورد افغانستان می‌توان دید. سناریوهای بریتانیا، آمریکا و شوروی. ایشان سپس به توضیح این موارد پرداختند و سپس به سازمان ملل و سناریوهای آن برای افغانستان نیز اشاراتی نموده و از سناریوهای داخلی و ملیتهای عمده چون پشتونها، تاجیکها، ترکمنها و هزاره‌ها بحث نموده و به نقش همسایگان این کشور بخصوص پاکستان و ایران نیز پرداخت، سپس به سناریوهای احتمالی در آینده از جمله: الف) برگزاری کنفرانسی بین‌المللی که حاصل آن ایجاد یک سیستم فدرال در افغانستان باشد؛ ب) برگزاری انتخابات کاملاً آزاد اشاره کرد.

خانم دکتر مارینا پیکولینا محقق ISRS از پاکستان در مقاله خود به‌نام آینده افغانستان چشم‌انداز سناریوها به مسائلی همچون ریشه‌ها و علل وضعیت کنونی در افغانستان پرداخت و انگیزه اصلی احزاب و گروهها را هم‌اکنون حل مسئله جانشینی قدرت در افغانستان دانست و از ویژگی‌های بارز افغانستان در وضعیت جاری، سطح بالای نظامی‌گری و مسلح بودن مردم را اعلام کرد.

وی برای خاتمه درگیری‌ها، لازم می‌داند که شرایطی ایجاد گردد که رهبران قبایل و روستاها که منزوی شده و در حاشیه قرار دارند در روند خاتمه دادن به درگیری‌ها شرکت نمایند.

دکتر پیکولینا معتقد است دست یافتن به شیوه انتقال قدرت مورد قبول طرفهای ذی ربط باید از طریق روندهای داخلی انجام گیرد، لیکن مسئولیت ایجاد شرایط مناسب باید توسط قدرتهای خارجی جهانی و یا منطقه‌ای پذیرفته شود. وی به سناریوهای محتمل در آینده افغانستان اشاره می‌کند از جمله اینکه - کشور به صورت فدراتیو اداره شود و سناریوی دیگر را ایجاد یک دولت ائتلافی که از قدرت زیادی برخوردار بوده و در عین حال تمام نیروهای دارای نفوذ در کشور و افراد قدرتمند که قادرند بر کشور تأثیر بگذارند در آن شرکت داشته باشند، می‌داند.

در جلسه پایانی سمینار آقای علاءالدین بروجردی معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه با بیان این نکته که جمهوری اسلامی ایران بر مبنای دین مبین اسلام و علاقه به حل مشکل افغانستان با تأکید بر ضرورت صلح در منطقه خواهان حفظ تمامیت ارضی و برقراری صلح و ثبات است، و بر ضرورت حل مشکل در داخل افغانستان، مذاکره بین الافغانی به عنوان انتخاب اصلح و لزوم آتش‌بس به عنوان اولین ضرورت پایان جنگ، فراگیر بودن حاکمیت در افغانستان، کمک و مساعدت همسایگان برای تسریع در اعاده صلح و آرامش، ادامه تلاشهای سازمان ملل متحد، مشارکت مستقیم مردم افغانستان در تعیین سرنوشت خود تأکید نموده اظهار داشت جمهوری اسلامی ایران با مدنظر قرار دادن اصول یادشده از طریق یک دیپلماسی فعال و همه‌جانبه، و با تماس با گروه‌ها و دولت اسلامی افغانستان، آنان را به همکاری و نزدیک نمودن نقطه نظرات به یکدیگر تشویق می‌نماید و در این راستا از گروه طالبان نیز خواسته که راه مذاکره و صلح را مدنظر خود قرار دهد و اولین ثمره تلاشهای کشورمان امضای قرارداد صلح بین آقای ربانی و آقای حکمتیار است و ایران امیدوار است که نشست آینده در داخل کابل برای بازسازی افغانستان تشکیل گردد.

میهمانان شرکت‌کننده در سمینار افغانستان و امنیت منطقه در مراسم پایانی این همایش به حضور جناب آقای هاشمی‌رفسنجانی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران رسیدند؛ رئیس جمهوری در این دیدار تصریح نمودند، درگیری و اختلاف در افغانستان بر هیچ منطقی استوار نیست و علاوه بر برادرکشی، خونریزی و ویرانی‌های فراوان به اعتبار بین‌المللی مردم مبارز و جهادگر این سرزمین لطمه می‌زند و افزودند: اجلاس کنونی تهران می‌توانست درباره سازندگی و همکاری‌های بین‌المللی افغانستان متحد نیرومند و مستقل برگزار شود. رئیس جمهوری با تأکید بر اینکه در افغانستان هیچ گروهی برنده جنگ نخواهد بود و تنها راه حل بحران این کشور گفتگوهای مسالمت‌آمیز بر مبنای گذشت و فداکاری برای ایجاد صلح و ثبات در این کشور است افزودند: برای ما دشوار است ببینیم نیروهای فداکار و جهادگری که با سرمایه

ایثار و از خودگذشتگی، ابرقدرت زمان خود را شکست داده‌اند، اکنون روحیه آرمانخواهی را نادیده گرفته و نتیجه جهاد طولانی را تخریب می‌کند... اگر نیروها و امکانات نظامی که امروز در افغانستان علیه یکدیگر به کار می‌رود یک قدرت نیرومند دفاعی را در برابر بیگانه و یا در جهت سازندگی و عمران این کشور شکل می‌دادند، شرایط تفاوت زیادی داشت. رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در بخش دیگر سخنان خود اظهار داشتند: وضع موجود هیچ امتیازی برای گروهها و مردم افغانستان ندارد و حتی هرگونه کمک انساندوستانه از سوی کشورهای دلسوز و نگران مردم این کشور، باعث تقویت پشت‌جبهه یک گروه درگیر می‌شود و به جنگ دامن می‌زند. رئیس‌جمهوری تصریح نمودند که افغانستان جای گرفتن امتیاز نیست. بنابراین کمکهای جمهوری اسلامی ایران تنها با هدف استقرار صلح و پایان خونریزی انجام می‌شود و ایران معتقد است که بحران موجود باید به دست مردم و با منطقی و گذشته رهبران گروههای مبارز حل و فصل شود. ایشان با اظهار نگرانی از سوءاستفاده و دخالت‌های بیگانگان در امور افغانستان خاطر نشان کردند نگرانی ما از دخالت قدرتهای بیگانه بویژه آمریکا که با هدفهای خاصی انجام می‌شود، این است که نقطه چرکین دیگری در منطقه ایجاد شود و وحدت افغانستان را خدشه‌دار کند.

رئیس‌جمهوری لزوم مشارکت همه گروههای مبارز در اداره امور افغانستان و انسجام ملی این کشور را مورد تأکید قرار داد و گفت: هیچ گروهی نباید دیگری را نادیده گیرد بلکه باید همه در نظام سیاسی افغانستان سهیم باشند. ایشان سپس با اشاره به بحرانهای موجود در منطقه به تشریح سیاست ایران پرداخته و افزودند: ایران با امکانات و همه توان خود، از هرگونه حرکت صلح‌آمیز برای حل و فصل مشکلات و پایان دادن به درگیری‌ها در منطقه حمایت و با حفاظت قدرتمندانه از مرزهای خود تلاش می‌کند از این آلودگی‌ها همچنان مصون بماند.

سمینار تاجیکستان: چشم انداز تحولات آینده

تهران: ۱۷ تا ۱۹ دی ماه ۱۳۷۵

چرا تاجیکستان درگیر جنگ داخلی شد؟

سؤالی است که تمامی پژوهشگران مسائل آسیای مرکزی به آن می‌اندیشند و هریک از نگرشی خاص به آن پاسخ می‌دهند. گروهی بحران تاجیکستان را ناشی از عوامل درونی می‌دانند و گروهی دیگر نقش عوامل خارجی را علت اصلی بحران می‌دانند و گروه سوم عوامل درونی را علت بحران و عوامل خارجی را تشدیدکننده بحران معرفی می‌کنند. قبول یا نقد هریک از دیدگاهها پاسخ متفاوتی به این سؤال در پی خواهد داشت:

چشم انداز تحولات آینده در تاجیکستان چیست؟

این سؤالی است که دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در صدد است با دعوت از سیاستمداران، پژوهشگران و علاقه‌مندان به مسائل آسیای مرکزی خصوصاً مسائل تاجیکستان به آن پاسخ دهد به این منظور مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز در ادامه سمینارهای سالانه خود سمینار تاجیکستان: چشم انداز تحولات آینده را در موضوعات ذیل از تاریخ ۱۷ تا ۱۹ دی ماه سال ۱۳۷۵ برگزار می‌نماید:

۱. مسائل و مشکلات اجتماعی - اقتصادی تاجیکستان

۲. تحولات جاری در تاجیکستان

۳. تاجیکستان، منطقه و فرامنطقه

۴. سناریوهای احتمالی ترکیب قدرت در تاجیکستان

محققان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به شرکت در این سمینار می‌توانند

خلاصه مقاله خود را حداکثر تا ۱۵ آبان ماه به آدرس ذیل ارسال نمایند.

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تلفن ۸۰۱۹۸۶۳-۹۸۲۱

مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز فاکس ۲۷۰۹۶۴-۹۸۲۱

خیابان شهید باهنر، خیابان شهید آقایی

تهران